

فولادی عمودی میان جریده، نوشته است (معتمدی، ۵۶۶/۱-۵۶۷). از جمله ابزارهای قلندران در دوره صفوی، یکی هم جریده بوده است. مؤلف «رساله خاکساریه» بازمانده از آن دوره، جریده را «علم استقامت» درویشان خاکسار معرفی کرده و نوشته است که آنرا بر کف گیرند (فتوات نامه‌ها... ۲۶۴) و مجاهدان یا نفس پر تدبیر را «غزا و صاحب جریده و زنجیر» نامیده‌اند (همان، ۲۶۶).

میرزا حسین خان تحویلدار در جغرافیای اصفهان، تألifi از دوره قاجار، در شرح «نوع عملجات مُچه‌داران شتر قربانی» در مراسم شتر قربانی در اصفهان می‌نویسد: «دستجات دهات» هر یک با «سازهای کوس و سرنا و سنج و جریده‌های بزرگ و علمهای بلند بسیار»، برای اجرای رسم قربانی به مراسم می‌آیند (ص ۸۸، ۸۹). تحویلدار بنیان این رسم را در دوره صفوی دانسته است (ص ۸۸).

شكل و ساختمان: جریده‌های هر شهر و دیار را احتساله بنابر نظام فرهنگ دینی - محلی مستولی بر آن جامعه، به شکل و شمایل گوناگون می‌ساختند و می‌آراستند. مردم کاشان با شکوه‌ترین جریده‌ها را ساخته بودند و در عزاداریهای محروم به کار می‌بردند. جریده کاشانیها عبارت بود از یک تیغه فلزی پیکانی شکل بر سر تیر کی نیزه مانند و عمودی، یک آدمک سیاه بر روی تیغه، آینه‌ای در زیر آدمک، ۴ تیغه فلزی هلالی شکل شمشیر مانند در دو ردیف و در دو سوی تیر کی نیزه مانند، شرابه‌های بلورین آویخته از تیغه‌های هلالی، کشکولی با تندیس فلزی دو شیر کوچک در میان و محل نصب محور افقی بر تیرک، دو پنجه و چند شمعدان فلزی کوچک به قرینه در دو سوی تیرک و بر روی محور افقی و مجموعه‌ای منگوله و زنگوله آویخته از زیر محور افقی (بلوکباشی، ۱۰۲؛ ابوالفضلی، ۱۵۹-۱۶۰؛ نیز نک: تصویر).

نشانه‌های نمادین: مردم کاشان هر یک از اجزاء جریده را نماد شخصیت و شیئی مقدس، و بیانگر مفهومی خاص می‌انگارند. مثلاً تیرک عمودی نیزه‌مانند را مظہر قامت بلند امام حسین(ع)، ۴ تیغ جانی آن را نسادی از ۴ برادر او حضرت عباس(ع)، عون، عقیل و جعفر؛ کشکول را تمثیلی از مشک سقایی حضرت عباس(ع) یا تمثیلی از خیمه گاه امام حسین(ع)؛ منگوله‌های ریشه‌دار یا شرابه‌دار را مظہر گیسوی به خون آغشته حضرت علی اکبر(ع)؛ آدمک را نشانی از غلام شهید شده در راه دین؛ آینه را نشان پیشانی شفاف و درخشنان سلطان دین امام حسین(ع)؛ شرابه‌های بلوری را نشانگر دانه‌های اشک کودکان اهل بیت؛ زنگها را نمادی از ناله‌ها و شیونهای اهل حرم؛ و پنجه‌ها را مظہر دستهای بریده حضرت ابوالفضل(ع) تبیین می‌کنند (همو، ۱۵۸، ۱۶۰؛ نیز نک: معتمدی، ۵۵۹-۵۵۸/۱).

العطار، بیروت، ۱۹۷۵؛ ابن قنة، احمد، الفارسية، به کوشش محمد شاذلی نشر و عبدالجلید ترکی، تونس، ۱۹۶۸؛ ابو عبید بکری، عبدالله، الممالک و الممالک، به کوشش وان بیون و افره، تونس، ۱۹۹۲؛ ادریسی، محمد، ترجمه الشناق، پرت سعید، مکتبة الثقافة الدينية: الاستبصار في عجائب الامصار، به کوشش سعد زغلول عبدالحميد، اسکندریه، ۱۹۵۸؛ باجه، صالح، الاباضية بالجريدة في العصر الاسلامي الاولى، تونس، ۱۹۷۶؛ موسا، ز، تونس، تعريف الصادق مازني، تونس، ۱۹۶۹؛ سراج الدلسی، محمد، الحلل السنديه، به کوشش محمد حبيب هله، بیروت، ۱۹۵۵؛ عبدالوهاب، حسن حسني، ورقات عن الحشارة العربية باقية، تونس، ۱۹۷۲؛ عروسي مطوى، محمد، الساطنة الختنية، بیروت، ۱۹۷۲؛ ابن قنة، محمد عبد الله، عصر المرابطين والمرجدين في المغرب و الاندلس، قاهره، ۱۹۸۴؛ ابن قنة، فیالل، عبدالعزيز، ظواهر الكبیرى فى عصر الولادة ببلاد المغرب والأندلس، تونس، ۱۹۹۱؛ مقدسی، محمد، احسن التقاسیم، به کوشش ذخیره، لیدن، ۱۹۰۶؛ موسن، حسین تاریخ الغرب و حضارته، بیروت، ۱۹۹۲؛ باقوت، بلدان، متعوبی، احمد، «البلدان»، هرآد الاعلاق الشیعیة ابن رسته، به کوشش ذخیره، لیدن، ۱۸۹۱؛ نیز، Britannica، 1989؛ El²؛ Rectus, E., Nouvelle géographie universelle, Paris, 1886.

پژوهیز امین

جريدة، نوعی علم عزا در دسته‌های سینه‌زن و زنجیرزن که آن را چند روز از ماد محروم در برخی از نواحی ایران، به ویژه در کاشان، قم، کرمان، یزد، خراسان و هرمزگان می‌گردانند.

جريدة در زبان و ادب فارسی به معنای دفتر (نک: برها ن... بهار عجم، آندراج، نیز نفیسی)، شاخه‌بی‌برگ و شاخه‌بی‌برگ نخل (داعی الاسلام، نفیسی، لغت‌نامه...، نیز معین)، نیزه کوچک مخصوص قلندران (برها ن، نیز آندراج)، روزنامه و نشریه (داعی الاسلام، لغت‌نامه، نیز معین)، زیده، کارآمد و جنگی (مثلاً با لشکر جریده روى به طوس نهاد؛ راوندی، ۱۰۰؛ با دو هزار سوار جریده، تاختن آورده؛ تاریخ... ۳۶۹)، دو چوب نازک و کوتاه که به هنگام دفن مرده زیر بغل او می‌گذارند (جريدة‌تین) (بهار عجم، آندراج، داعی الاسلام)، و مانند آنها آمده است. جریده به این معانی در متون تاریخی و نثر و نظم فارسی از سده ۴ تا دوره صفوی به کار رفته است (مثلاً برای سده‌های ۴ و ۵ ق، نک: بعلمنی، بیهقی، جم). از زمان کاربرد جریده به معنای علم و گرداندن آن در دسته‌های عزا، اطلاع دقیقی در دست نداریم. به احتمال نزدیک به یقین در دوره صفوی جریده و جریده‌کشی در مراسم عزاداری حسینی مرسوم شده است.

کهن‌ترین جریده‌های عزا در شهر کاشان به کار می‌رفته، و هنوز هم باقی مانده است. تاریخ وقف یکی از این جریده‌ها به نام «جريدة بابا قربانی»، واقع در محله پشت مشهد، به تاریخ ۱۱۲۹ ق/ ۱۷۱۷ م (دوره سلطنت شاه سلطان حسین صفوی) است که همراه با صلوات کبیره و نام واقف در دو طرف کشکول آویخته به جریده نوشته شده است. جریده دیگر به نام «جريدة فولادی»، واقع در محله سرپرست کاشان، به تاریخ ۱۱۷۷ ق/ ۱۷۶۳ م (دوره زندیان) است که واقف آن این تاریخ را بر روی تیرک

بلوکباشی، ۱۰۲-۱۰۳).

همان طور که نخل را منتبه به حضرت حسین بن علی(ع)، و

نوحه خوانان اشعار مخصوص می خوانند (برای نمونه یکی از نوحه ها، نک: همو، ۵۷۲/۱-۵۷۳). در مراسم سنج زنی در پای جریده در مراحل مختلف سنج زنها به شور و هیجان می آیند و پیاپی با همه تاب و توان به هوا بر می جهند و سنجهای خود را بر بالای سرشان به یکدیگر می کوبند. این حالت را «شور» می نامند و با خواندن اشعاری ویژه شور را تشدید می کنند (ابوالفضلی، ۱۶۰).

در پیش اپیش دسته های عزا، دسته ای سقا نیز حرکت می کرد که هر یک از افراد آن کشکولی در یک دست و جامی در دست دیگر داشت و مشک آبی هم از شانه آویخته بود و به مردم آب می نوشاند. در هر یک از این دسته ها خواننده ای به نام «سخنور» بود که در برابر علام و جریده های دسته های عزادار می ایستاد و اشعاری به نام «سخن» خطاب به آنها می خواند (پرتو بیضایی، ۲۴۰-۲۴۳).

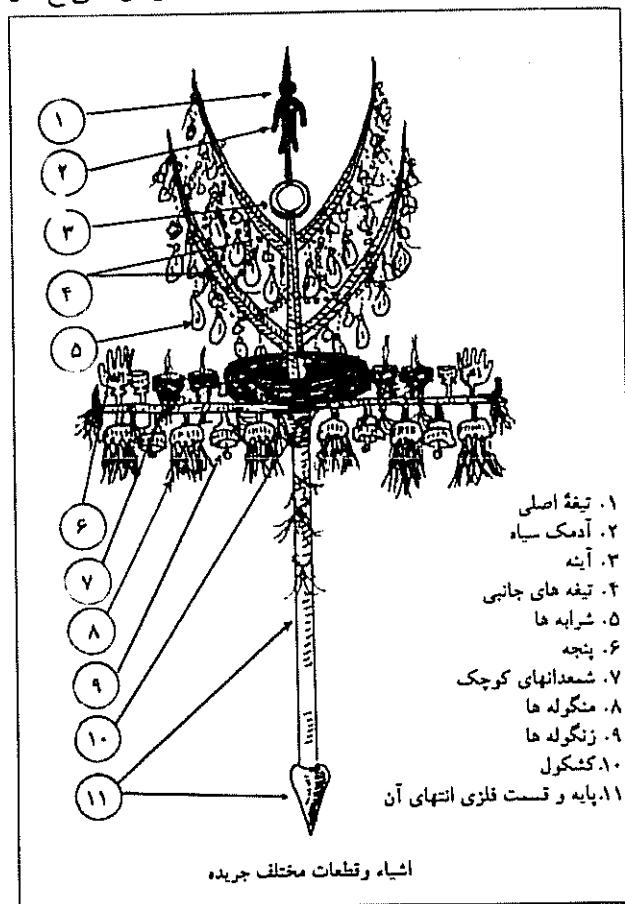
نمونه ای از این اشعار که در مجموعه خطی اشعار سخنور آمده، به این گونه است: «این جریده ز مال اهل عزا است / یک وقت است بشنو این گفتار // خواه چاوش و خواه درویشان / کل کسوت بود ز خرد و کبار // چو عزای حسین شود بربا / گو بیا این جریده را بردار!» (افشاری، ۲۶۴، نیز حاشیه ۲).

در سردمهایی که در گذشته سخنران در تکیه ها و قهوه خانه ها می بستند، همراه با آویختن و تزیین کردن سردم با ۱۷ فقره اسباب و ابزار منسوب به ۱۷ صنف از سلسله فقراء، علم و جریده و حتی نخلی کوچک مخصوص عزاداریها را هم می گذاشتند (پرتو بیضایی، ۲۵).

در کاشان جریده را در ۳ روز هفتمن و هشتم و نهم محرم، به ویژه شب و روز تاسوعا که آن را مرتبط با حضرت عباس(ع) می دانند و به نام او می خوانند، بر می دارند و می گردانند (معتمدی، ۵۶۲/۱).

بابایی جریده: در فرهنگ ایران، به ویژه نزد صوفیان، لفظ «بابا» را بر پیران کامل می گذاشتند، مانند بابا افضل کاشی و باباطاهر همدانی (عریان). سرکرد و ریش سفید طایفة قلندران را هم «بابا» می نامیدند (برهان، لغت نامه)، هر کسی را هم که در کاری بزرگ بود، برای بزرگداشت او بابا می خوانند (آندراج، هدایت).

فرقه عجم مشایخ، و پیروان بکاشیه (ه) پیران خود را «بابا» می نامیدند (افشاری، ۲۶۶، نیز حاشیه ۵). در دوره صفوی شیوخ فرقه درویشان حیدری را «بابا» و منصب شیخوخیت تکیه حیدری را «بابایی» می گفته اند (نصر آبادی، ۴۰۲/۱، نیز نک: دانشنامه...). در میان مردم، مؤسسان و متولیان هر یک از جریده ها، همچنین متولیان نخلها، بابا نامیده می شدند. نگهداری از جریده و آراستن و راه انداختن آن با دسته های عزادار بر عهده



مظهری از تابوت او انگاشته اند، جریده را هم به نام برادر او، سقا کریلا حضرت عباس بن علی(ع) و نشانی از علم این علم دار دانسته اند (یادداشتها...). اطلاق نام جریده به «علم حضرت عباس(ع)» ظاهراً به سبب شباهت شکل آن به شاخه درخت خرما (جریده النخل) و انتساب آن به حضرت ابوالفضل، عباس بن علی(ع) به جهت بلند و کشیده بودن شاخ و برگ های هلالی مأهوماند جریده و همانندی آن با قامت بلند حضرت ابوالفضل(ع)، قمر بنی هاشم بوده است (نک: معتمدی، ۵۵۷/۱). (۵۵۹)

جریده گردانی: در گذشته، هر محله از محله های کاشان چند علم و علامت و جریده داشت. جریده مانند توغ (ه) و نخل نماد و نشانه ای از محله نیز بود و دسته های عزادار هر محله را به نام این علامتها می خوانند. به هنگام عزاداری جریده را بنابر سنت کهنه برپا می داشتند و مردم هر محله در پای جریده محله خود گرد می آمدند و آن را بلند می کردند و برای عزاداری حرکت می دادند (همو، ۵۵۶/۱). به هنگام گرداندن جریده چند تن با سنجهای کوچک چوبی در پای آن سنج می زندند و

به شکل و شمایل امروزی در آمدن آن را در دسته‌های عزا، چنین بیان می‌دارند: در کربلا درویشی از واقعه عاشورا آگاه می‌شود، از تأثیر و تالم بسیار عصای خود را در زمین فرو می‌کند. آن‌گاه کشکول و تسییح ۱۰۰ بندش را بر آن می‌اویزد و دو تکه سنگ از زمین بر می‌دارد و آنها را به هم و بر سرش می‌کوبد و می‌گردید. از این‌رو، مردم جریده کنوئی را مظہری از عصا و کشکول و سبحة درویش، و سنج‌زنی پای جریده را نشانه‌ای از سنگ بر هم زدن و بر سر کوپیدن درویش دانسته‌اند (ابوالفضلی، ۱۶۰).

ماخذ: آندراج، محمدپادشاه، بد کوشش محمد دیرساقی، تهران، ۱۳۶۲؛ ابوالفضلی، محمد، «مراسم و شانه‌های عزاداری ماه محرم در کاشان»، مجموعه مقالات لویین گردی‌سازی مردم‌شناسی، تهران، ۱۳۶۹؛ افشاری، مهران، تعلیقات بر فتوت نامه‌ها... (هم)، برهان قاطع محمدحسین بن خلف تبریزی، به کوشش محمد معین، تهران، ۱۳۶۶؛ (علی)، محمد، تاریخ نامه طبری، به کوشش محمد روشن، تهران، ۱۳۶۶؛ (بلوکباشی)، علی، نخل گردانی، تهران، ۱۳۸۰؛ بهار عجم، لاله تیک چند بپار، به کوشش کاظم ذرفیلیان، تهران، ۱۳۸۰؛ (بیهقی)، ابوالفضل، تاریخ ورزش باستانی ایران: زورخانه، تهران، ۱۳۳۷؛ (تاریخ بستان)، حسین، تاریخ ورزش باستانی ایران: تحویلدار، حسین، چهارگایی استهبان، به کوشش محمد تقی پهار، تهران، ۱۳۴۲؛ (داعی‌الاسلام)، محدثعلی، فرهنگ نظام، تهران، ۱۳۶۲؛ (دانشنامه جهان اسلام)، تهران، ۱۳۷۵؛ (راوندی)، محمد، راحة الصدور، به کوشش محمد‌آقیل لاھوری، تهران، ۱۳۲۲؛ (تشریفات) و رسایل خاکاریه، به کوشش مهران اثماری، تهران، ۱۳۸۲؛ (لغت‌نامه دهخدا)، معتمدی، حسین، عزاداری متی شیجان، تهران، ۱۳۷۸؛ (معین)، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، ۱۳۷۱؛ (نصر آبادی)، محمد‌طاھر، تذکره، به کوشش محن ناجی نصر آبادی، تهران، ۱۳۷۸؛ (نهضت)، علی‌اکبر، فرهنگ، تهران، ۱۳۴۳؛ (هدایت)، رضاقلی، فرهنگ انجمن آرای ناصری، تهران، ۱۲۸۸؛ (یادداشت‌های مؤلف)، علی بلوکباشی

جریر، ابوخزره جریر بن عطیة بن خطفی تمیمی (در رمضان ۱۱۰ سپتامبر ۷۲۹)، شاعر عصر اموی. ابو عییده معمرین مئشی، خطفی را لقب نیای جریر دانسته و نام او را خدیفه بن بدر بن سلمه ذکر کرده است (نک: نیز ابو عیید، ۷/۱؛ نیز ابو عیید، ۲۹۳-۲۹۲/۱). جریر در یمامه در میان قبیله کلیب بن یزیوع به دنیا آمد. مادرش آم قیس بنت معبید (یا میعید) بن غمیر نیز از همان قبیله بود (این قتبیه، الشعر...، ابوالفرج، ۶/۸). تاریخ ولادت جریر به درستی دانسته نیست. برخی از معاصران، تاریخ ۲۸ تا ۴۰ ق مذکور کرده‌اند (دایه، ۱۷۵؛ نیمی، ۲۱۳/۱؛ طه، ۱۷/۱)، اما عده‌ای دیگر آن تاریخ را چند سال عقب تر نهاده‌اند (نک: شیخو، ۳۰۷/۶).

جریر در خانواده‌ای اهل شعر بالید. تختین بارقه‌های نبوغ شاعری از همان کودکی در وی ظاهر شد و بنا به روایات نیمه افسانه‌ای، تختین ایات هجوآمیز خود را در دفاع از حقوق قبیله و در پاسخ به اشعار غسان بن ذهیل سلیطی سرود (ابوالفضلی، ۲/۱). اما آنچه نخستین بار شهرتی برای جریر به ارمغان آورد،

بابا بود. پس از مرگ هر بابا، یکی از اعضای خانواده او این مسئولیت را بر عهده می‌گرفت. گاهی مردم دسته‌های عزا و جریده‌ها را به نام بابای آن می‌نامیدند، مانند «جریده بابا قربانی» در کاشان (معتمدی، ۵۶۶/۱).

هر یک از جریده‌ها موقوفاتی داشت که مردم برای تأمین هزینه عزاداری، وقف آن می‌کردند (همو، ۵۵۷-۵۵۶/۱؛ برای صورت موقوفات مربوط به جریده بابا قربانی، نک: ۵۶۹-۵۶۷/۱؛ وقف‌نامه بابا زیل و حاجی علی‌اکبر).

جریده‌ها نذورات مخصوصی داشتند که معروف‌ترین آنها نان نذری معروف به «نان عباس علی» و «آب قند» است. این نان و آب قند در عصر تاسوعاً میان مردم پخش می‌شد و آنها را معمولاً با هم می‌خورند (ابوالفضلی، ۱۶۱؛ برای نذورات، نک: معتمدی، ۵۶۲/۱). یکی از وظایف باباهای جریده جمع کردن نذورات عمومی و خصوصی پای جریده، غبارروبی سالانه و معرفی کسانی برای حمل جریده است (ابوالفضلی، ۱۵۸).

درگذشته هر کس می‌خواست جریده‌ای برای عزاداری بسازد و یا یک هیئت عزاداری دارای جریده پایه‌گذاری کند، موظف بود که از باباهای و صاحبان جریده‌های قدیمی رخصت بطلبد. در صورت شایسته بودن داوطلب و صلاحیت او در داشتن جریده و عزاداری کردن با جریده، به او اجازه کتبی می‌دادند و جای جریده او را در مسیر حرکت دسته‌ها و پشت سر جریده‌های باباهای قدیمی معین می‌کردند (معتمدی، ۵۶۳/۱؛ برای متن اجازه نامه، نک: همو، ۵۶۵-۵۶۴/۱).

خاستگاه: براساس اسناد و شواهد تاریخی که پیش‌تر به برخی از آنها اشاره شد، به احتمال بسیار جریده نخست نشان و علامت ویژه قلندران صوفی بوده است که آن را به مفهوم نمادین «علم استقامت» به کار می‌برده‌اند (نک: برهان؛ فتوت نامه‌ها، ۲۶۴).

سخوران سلسله عجم نیز در بستان سردم سخنوری، تندیس کوچکی از جریده را به عنوان نماد و نشانی از صوفیان و دراویش، به سردم می‌آویختند (نک: پرتو بیضایی همانجا). بعدها این علامت از حوزه تصوف به حوزه مراسم عزاداری و شتر قربانی راه یافت و چون نمادی از قدرت و استقامت و پایداری بود، آن را مظہری از قامت، قدرت و پایداری حضرت عباس علم‌دار (ع) گرفتند و به نام او خوانندند.

کلمه «بابا» هم که اصطلاحی عرفانی و صوفیانه، و به معنای پیر، بزرگ و شیخ بود، به حوزه مذهبی درآمد و به صاحب و نگهدارنده جریده تفویض شد. از آن‌گاه متولیان برخی علامتها مذهبی مانند نخل و جریده نیز بابا خوانده شدند و شان و منزلت پیر را یافتدند.

عامه مردم کاشان با نقل داستانی خاستگاه صوفیانه جریده و